

بسمه تعالی شانه العزیز

در اهمیت نقش کتاب در تکامل جوامع انسانی می توان گفت که تمام ادیان آسمانی و بزرگان تاریخ بشری از طریق کتاب جاودانه مانده اند. بررسی ها در قرآن کریم حاکی از آن است که واژه کتاب و مشتقات آن ۲۷۹ بار، علم ۷۲۸ بار، قلم ۴ بار و اقراء ۳ بار در قرآن تکرار شده است، که گویای اهمیت مطالعه و کتابخوانی و تحصیل علم و دانش در دین اسلام است. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در این زمینه می فرماید: طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و خداوند جویندگان دانش را دوست دارد.

(کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰)

به مناسبت تقارن روز کتاب و کتابخوانی با روز بزرگداشت علامه سید محمد حسین طباطبایی، قصد داریم به معرفی مختصری از علامه و کتبی که درباره زندگینامه ایشان نگارش یافته و در کتابخانه سطح دو الزهراء (س) موجود است، بپردازیم:

سید محمدحسین طباطبایی (زاده اسفند ۱۲۸۱ در تبریز درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ در قم) معروف به علامه طباطبایی روحانی، عارف، فیلسوف و نویسنده ایرانی بود. وی از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می آمد. ایشان از دودمان سادات طباطبایی آذربایجان است و با سید علی قاضی و سید محمدعلی قاضی طباطبایی خویشاوندی دارد.

زندگی علامه طباطبایی را می توان به چهار دوره تقسیم نمود: ۱- دوره کودکی و نوجوانی که در تبریز سپری شد.

۲- دوره تحصیل در حوزه علمیه نجف. ۳- دوره بازگشت به تبریز و اشتغال به کشاورزی ۴- دوره زندگی در قم و تدریس، تألیف و نشر معارف دینی.

دوران کودکی و نوجوانی علامه طباطبایی

سید محمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی در سال ۱۲۸۱ در روستای شادباد مشایخ از توابع تبریز زاده شد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدر خود را از دست داد. وصی پدر، او و تنها برادرش محمدحسن الهی طباطبایی را برای تحصیل به مکتب فرستاد. تحصیلات ابتدایی شامل قرآن و کتب ادبیات فارسی را از سال ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ فرا گرفت، سپس از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ به تحصیل علوم دینی پرداخت و به تعبیر خود «دروس متن در غیر فلسفه و عرفان» را به پایان رساند.

✿ بازگشت به تبریز

علامه طباطبایی بعد از ده سال زندگی در نجف، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز بدست می آمد، مجبور به مراجعت به ایران می شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می شود.

✿ زندگی در قم

علامه بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم می گیرد به قم برود و بالاخره تصمیمش را در سال ۱۳۲۵ عملی می کند. فرزند طباطبایی در این مورد می گوید که در ابتدا در منزل یکی از بستگان ساکن شدند و سپس یک خانه اجاره کردند، که شامل یک اتاق دو قسمتی بود و سرجمع حدود بیست متر مربع مساحت داشت.

علامه طباطبایی در ابتدای ورودش به قم به قاضی معروف بود، چون از سلسله سادات طباطبایی بود، خودش ترجیح

داد به طباطبایی معروف شود. با ظاهری ساده، عمامه ای کوچک و قبايي از جنس کرباس، در کوچه های قم تردد داشت و در خانه بسیار محقر و ساده ای زندگی می کرد.

برخی از ویژگی های شخصیتی علامه طباطبایی

✿ اهمیت به خانواده

علامه با وجود حجم زیاد کارهایش، هیچ وقت از خانواده خود غافل نمی شد. همیشه در برنامه روزانه اش ساعتی را به خانواده اش اختصاص می داد و آن را بهترین اوقاتش می دانست و می گفت: «این ساعت تمام ناراحتی هایم را برطرف می کند». علامه در خانه هم مثل بقیه جاها هرگز عصبانی نمی شد و اعضای خانواده اش صدای بلند حرف زدنش را نشنیده بودند. بچه هایش را بسیار دوست داشت، با آن ها مهربان و خوش رفتار بود و تا اندازه ای که برای بازی با آن ها و سرگرم کردنشان وقت می گذاشت. دخترها را تحفه های ارزنده و نعمت های خداوندی می دانست و می گفت: «این ها امانت خدا هستند هر چه به این ها بیشتر احترام بگذاریم، خدا و پیغمبر بیشتر خوشحال می شوند». حتی نام آن ها را هم با پسوند سادات صدا می زد و با آن ها با احترام و محبت بیشتری رفتار می کرد تا در زندگی آینده شان همسران خوب و بانشاط و مادران شایسته و لایقی باشند. وقتی دخترهایش به خانه بخت رفتند، هر هفته به انتظار دیدنشان می نشست خودش از آن ها پذیرایی می کرد و حتی نمی گذاشت آن ها برایش جای بیاورند. می گفت: «نه! شما مهمان هستید و سید، من نباید به شما دستور بدهم».



❁ پشتکار بالا

علامه پشتکار عجیبی داشت. چندین سال برای تفسیر زحمت کشید و اصلاً احساس خستگی نکرد. شب و روز نمی‌شناخت، از صبح زود تا ساعت ۱۲ مشغول مطالعه و تحقیق و تالیف بود و بعد از نماز و صرف غذا و استراحت مختصر، تا غروب کار می‌کرد. ایشان روزی ۱۴ ساعت کار می‌کرد و از روزهای سال فقط یک روز را تعطیل می‌کرد، آن هم روز عاشورا بود.

❁ پیش مطالعه

علامه طباطبایی می‌گوید: «در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این روی هر چه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذراندم، پس از آن یک باره «عنایت خدایی» دامن‌گیرم شد و تغییر کردم و در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال، حس نمودم به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که تقریباً هجده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر احساس خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبایی جهان را فراموش کردم. بساط معاشرت با غیراهل علم را به کلی برچیدم و در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد (به ویژه در بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب به مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا شب را از پیش مطالعه می‌کردم، اگر اشکالی پیش می‌آمد به هر طریقی بود حل می‌نمودم. وقتی که به درس حضور می‌یافتم از آن چه استاد می‌گفت قبلاً آگاه بودم. هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبرده‌ام.



مرزبان وحی و خرد

علاقه مندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر با زندگی نامه علامه طباطبایی به کتابخانه سطح دو الزهراء (س) گرگان مراجعه و کتاب های ذیل را مطالعه نمایند:

۱- جرعه های جانبخش نوشته غلامرضا گلی زاده

۲- علامه طباطبایی نوشته احمد لقمانی

۳- سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی از نگاه فرزنانگان نوشته مراد علی شمس

۴- مرزبان وحی و خرد نوشته موسسه بوستان کتاب قم

۵- زندگی محمد حسین طباطبایی نوشته حبیبه جعفریان.

تهیه کننده : فاطمه صغری برقرار



معاونت پژوهش

مجموعه حوزوی الزهراء(س) گرگان

پاییز ۹۹

تیراژ ۳۰